

اعلامیه سید عزالدین حسینی درباره سیاست سازشکارانه چریکهای فدائی (اکثریت)

خود در کردستان از مدت‌ها قبل حمله به نیروهای سپه در جنبش مقاومت خلق کرد را آغاز کرده و سرانجام پس از مدتی تدارک مقدمات و زمینه‌چینی، این روزها با انتشار اراکا ذیب، همان تبلیغات و اتهاماتی را که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق کرد از یکسال پیش علیه من برآوردند، تکرار نموده‌اند. بدین ترتیب بخيال خود پرونده جنبش مقاومت را تکمیل و هم‌را - جز خودشان - لکه دار کرده‌اند.

سازمان چریکها با این برنامۀ تدریجی همه پیوندهای میان خود و جنبش مقاومت خلق را بریده است تا با خیال راحت تعهداتی را که به آیت‌الله بهشتی سپرده است، اجرا نماید.



حاکمیت رویزیونیسیم برای دثولوی و مشی سازمان چریکهای فدائی (اکثریت) باعث شده است که فاطمه این سازمان با سرعت بسیار زیادی و بطور روزانه از نیروهای خلقی و انقلابی زیاد شود و در عوض نزدیکی و هماهنگی اش با رژیم کم‌افزایش یابد. از همین رو تعجب آور نیست وقتی میبینیم فدائیان (اکثریت)، نیروهای انقلابی خلق کرد را جنگ افروز و "وابسته"، مینامد. بر علیه جنبش خلق کرد توطئه میکند، پیشمرگان قهرمان خلق کرد را "فدایان انقلاب" خطاب مینماید و در مقابل به دستموسی جنایتکارانی چون بهشتی میروند "صلح" و آرامش در کردستان را از هیئت حاکمه جنگ افروز گذاشتی میکنند و به هواداران و اعضای خود در "گردد" توصیه میکنند تحت فرمان پاسداران فدا انقلاب درآیند آری غلبه رویزیونیسیم بر "اکثریت" فدائیان چنین نتایجی را برآورد است و این موضعگیریها و سیاستها و عملکردها از آثار تبعی و ناکزیر حاکمیت رویزیونیسیم بر این بخش از چریکهای فدائی میباشد.

اخبار در رابطه با سیاست سازشکارانه و اپورتونیستی "اکثریت" فدائیان در قبایل جنبش خلق کرد و خراب کاریهای این رویزیونیسیمها در آن، اعلامیه مفصلی از روحانی مبارز و شخصیت انقلابی و دموکرات کرد، سید عزالدین حسینی، تحت عنوان "سیاست تاش به تال" گام به گام سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در کردستان "منتشر شده که برای آگاهی خلقهای قهرمان ایران و در حمایت از خلق مقاومت و دلاور کرد آنرا عینا تکثیر میکنیم.

● سازمان چریکها، خلق کرد و خلقهای ایران را از لولوی پالیسیان و اویسی، و خطر نفوذ مزدوران بعث و امپریالیسم میترساند تا آنان را با استقرار حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعای می‌کند که در صورت ادامه جنگ در کردستان امپریالیسم و رژیم بعث عراق از آن استفاده می‌کنند پس باید هرچه زود تر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود. آنها شهادت قبول این واقعیت را ندارند که حتی اگر همه پست فطرتان جهان بخواهند از جنگ کنونی کردستان بِنفع خود سوء استفاده کنند، گناه از خلق کرد نیست و لطمه‌ای به حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کسرد وارد نخواهد آمد، بلکه گناه آن تنها به گردن هیات حاکمه ضد خلقی است که این جنگ ظالمانه را به ما تحمیل کرده است.

توصیه میکنند تحت فرمان پاسداران فدا انقلاب درآیند آری غلبه رویزیونیسیم بر "اکثریت" فدائیان چنین نتایجی را برآورد است و این موضعگیریها و سیاستها و عملکردها از آثار تبعی و ناکزیر حاکمیت رویزیونیسیم بر این بخش از چریکهای فدائی میباشد.

اخبار در رابطه با سیاست سازشکارانه و اپورتونیستی "اکثریت" فدائیان در قبایل جنبش خلق کرد و خراب کاریهای این رویزیونیسیمها در آن، اعلامیه مفصلی از روحانی مبارز و شخصیت انقلابی و دموکرات کرد، سید عزالدین حسینی، تحت عنوان "سیاست تاش به تال" گام به گام سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در کردستان "منتشر شده که برای آگاهی خلقهای قهرمان ایران و در حمایت از خلق مقاومت و دلاور کرد آنرا عینا تکثیر میکنیم.

پیروز با دمبارزات دموکراتیک - فدا میریالیستی خلقهای ایران!

اعلامیه سید عزالدین حسینی:

درباره سیاست "تاش به تال" گام به گام "سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در کردستان

بسم الله الرحمن الرحيم

"یا ایها الذین آمنوا ان جا شکم فاق بنیسا فتبینوا ان تصیبو تو ما بجا له فتصیحوا علی ما فعلتم تا دمین"

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسق خبری برایتان آورد در باره آن تحقیق کنید می‌دانم از روی جهالت (در اثر عدم تحقیق درباره آن خبر) با قومی در افتید سپس از کرده خودتان پشیمان گردید) (قرآن کریم)

مردم مبارز و آزادیخواه سراسر ایران!
خلق ستمدیده و رزمنده کرد!

اخیرا سازمان چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در ادامه موضعگیریهایش علیه جنبش مقاومت خلق کرد دست به تبلیغات دامنه‌داری زده است. این تبلیغات

این نخستین بار نیست که اتهاماتی از این قبیل در مورد من مطرح میشود. این حرفها از بسکه توهانقدر از طرف آخوندها، سران رژیم ضد خلقی و دشمنان خلق کرد، تکرار شده اند که به آن عادت کرده ایم. جالب آنست همه کما نیکه در خط هیات حاکمه ارتجاعی قرار میگیرند به پیروزی از آنان، دروغپردازی و اتهامات شخصی را دستمایه اصلی خود قرار میدهند. معمولاً هم بعنوان رشوه و پیشکشی برای خوشایند هیات حاکمه به من حمله می‌کنند تا بلکه مورد قبول و عنایت قرار بگیرند. ضمناً با منحرف کردن مسائل جنبش به مسیراتهامات شخصی می‌کوشند جریانات سیاسی و انقلابی را لوث نموده و از جوابگوئی به مسائل اساسی جنبش شان خالی کنند.

من تا کنون در برابر اینگونه تبلیغات و اتهامات علیه شخص خود مباحث سکوت جویا بگو بوده ام و مردم هم قضاوت

اما ساد در خدمت هدف سیاسی آن سازمان است: اول - نزدیکی با هیات حاکمه جمهوری اسلامی و تاشید سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگرانه آن به بهانه با صلاح مبارزه فدا میریالیستی.

دوم - تضعیف و تخریب جنبش مقاومت خلق کرد و تسلیم در مقابل یورش وحشیانه هیات حاکمه به بهانه مبارزه با نفوذ مزدوران امپریالیسم و رژیم بعث عراق در کردستان و با شعار دروغین جلوگیری از "جنگ برادر کشی" و استقرار صلح عادلانه.

سازمان چریکها (اکثریت) به منظور ادامه دادن کردن زمینه افکار رعمومی برای توجیه سیاست تسلیم طلبانه

(*) "تاش به تال" یک اصطلاح سیاسی کردی است به معنای تسلیم شدن و سلاح بر زمین گذاشتن و انحلال جنبش.

رویزیونیسیم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

خود را در عمل نشان داده اند. اما چون هدف سازمان چریکها از این تبلیغات، ضربه زدن به جنبش مقاومت خلق کرد و توجیه سیاست "شش به تال" خود در کردستان است و طبقه خود میداند نمیه منظور روشن کردن مسئله برای مردم ایران و خلق قهرمان کرد، سوابق امر را با اطلاع عموم برسانم.

سازمان چریکها، این حملات را از وقتی آغاز کرد که در مرکزیت آن گرایش به هیات حاکمه مسلط شده بود اما قبلا هم برای خلق کرد مطرح بود که چرا سازمان چریکها در دوران اول جنبش مقاومت فعال نبود. در حالی که پیشمرگان نیروهای ملی و انقلابی کردستان و همین مردم مسلح شهرها و روستاها در مقابل یسوروش و خشاینهاست حاکمه در ۲۸ مرداد ۵۸ قهرمانانسه ایستادگی کردند، و با تعرض متقابل خود ظرف دو ماهه اشغالگران را با شکست فاحش روبرو ساختند. چرا سازمان چریکها خود را از مقابل و درگیری با هیات حاکمه کنار می کشید؟ در آنوقت این پرسش، بیش از همه ذهن هواداران و پیشمرگان سازمان را که سردرگم شده بودند، بخود مشغول کرده بود. حتی عده ای از هواداران و پیشمرگان انقلابی آنها ناگزیر بدون اجازه مرکزیت و با نام دیگری بکنگ اشغالگران ضد خلقی میشتافتند و در این راه مقدس شهید میدادند. با وجود این موضع انفعالی، بنا به سابقه مبارزاتی و نقش مثبتی که در سطح ایران داشتند، هنگامی که کوشش برای تشکیل "شورای همکاری مقاومت کردستان" در شهریور ماه ۵۸، از شاخه کردستان سازمان چریکها نیز مانند حزب دمکرات و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) دعوت بعمل آورد تا بدینوسیله آنها هم به شرکت فعالانه در جنبش مقاومت وادار و تشویق شوند. با رها نبرد طول دوران اول مقاومت عواقب سوء بکار نبرد تمام امکان نشان در جهت تقویت جنبش مقاومت را به مسئولان شاخه کردستان یاد آوردند و آنها میگفتند که با مرکزیت خود در این باره دچار مشکلاتی شده اند.

معهدا در جریان مذاکرات و تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد هم، بعلمت داشتن مواضع مترقی و مبارزانشان علیه هیات حاکمه ارتجاعی، و بدلیل آنکه شرکت یک سازمان سیاسی سراسری برای تبلیغ گسترده در سطح کشور و استحکام پیوند مبارزاتی خلق کرد با دیگر خلقها و آگاه نمودن مردم ایران از حقانیت و عادلانه بودن جنبش مقاومت خلق کرد مفید به نظر میرسید، روی مسئله شرکت سازمان چریکها با فشاری نمودم.

در آن روزها عده ای با شرکت سازمان چریکها در هیات نمایندگی خلق کرد مخالفت میکردند و مسئله از طرف مردم هم تا حدود زیادی مورد سؤال بود. بعلاوه هیات ویژه دولت هم شدت با شرکت آنان و (کومله) در مذاکرات مخالفت میورزیدند. سرانجام با امر از من در آستانه آتش بس، شاخه کردستان سازمان چریکها در هیات نمایندگی خلق کرد وارد شد.

میتوان گفت که همزمان با تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد، برای شرکایش سریع مرکزیت سازمان به هیات حاکمه ضد خلقی (بدنبال ماجرای سفارت آمریکا)، در سیاست شاخه کردستان نسبت به جنبش مقاومت تغییرات قابل توجهی حاصل شد و کم کم به ایراد آنها منسبت به نیروهای مترقی و ایجاد و هماهنگی و پیش بذر تزلزل در صفوف جنبش برداشتند. البته آنچه آنان در پیرو می -

گفتند، از طرف مطبوعات و محافل وابسته به رژیم و دشمنان خلق کرد با صراحت و وقاحت آشکار تبلیغ میشد اما با توجه به عکس العمل قاطع و انقلابی مردم کردستان سازمان چریکها جرات ابراز مخالفت علنی با جنبش نداشت و سیاست دیگری، سیاست تخریب از درون و تسلیم گامه گام را در پیش گرفت.

در جریان بحران یکماهه مردم سنج و ضرورت پشتیبانی از آن و گسترش مضمون اعتراضی آن به سراسر کردستان، که در آنموقع گام مهمی در اعتسای جنبش مقاومت بشمار میرفت، سازمان چریکها به بهانه همزمانی آن با جریان تیریز و بدلیل موضع گیری پشتیبانی از با صلاح جناح ضد میریالیست هیات حاکمه علیه لیبرالها، از پشتیبانی فعالانه از مردم سنج سرباز زدند و حتی اصرار داشتند که من دعوت اعتبار عمومی و نظاهرات سرتاسری ۱۶ دی ماه شهر - های کردستان را لغو کنیم. در آنموقع برای نشان توضیح دادیم که پشتیبانی از مبارزه مردم سنج و اعتلا بخشیدن به جنبش مقاومت در جهت کسب حقوق عادلانه خلق کرد به تقویت دموکراسی در سراسر ایران کمک میکند و به معنای پشتیبانی از هیچ جناح ارتجاعی در مقابل جناح دیگر نیست.

پس از این با پیرومندان نه تنها من مردم سنج، هنگام شروع جنگ کامباران و در برابر خلع سلاح سپاه رزگاری سازمان چریکها به "کومه له" حمله کرد و از هیچ کوششی جهت ایجاد و هماهنگی روجنگال و لوت کردن جنبه انقلابی آن عمل دریغ نورزید. در رابطه با همین مسئله، پس از مدتی (چند روز قبل از جنگ اخیر) موضوع اعزام هیاتی از جانب مرا برای میدانه گروکا نهیای کومه له و رزگاری بزرگ نمایی کرده و از آن تبلیغات مسمومی برآوردند. علیرغم امر مردم بخاطر حفظ وحدت صفوف هیات نمایندگی خلق کرد پیوسته در موقع شروع جنگ از با سخگویی خود را در می کردیم و به یاد آوری شفا هی در مورد ضرورت رعایت اخلاق سیاسی و پرهیز از دروغ و افترا اکتفا نمودم. در حقیقت آنها عمد افرا موش کرده بودند که من بعنوان یک روحانی مورد اعتماد مردم، محل مراجعه اشخاص گوناگون هستم. در آنوقت عده زیادی از روحانیون منطقه و مریدان و منسوبان خانواده نقشبندی بطور مکرر بمن مراجعه کرده، خواستار آزادی افراد دستگیر شده آن خانواده بودند. به مقتضای موقعیت روحانی خود و به منظور برآورده کردن درخواست مراجعین، هیاتی را برای حل مسئله اعزام نمودم. میدانه گروکا نهیای وجود عدم تمایل کومه له انجام گرفت و خارج از این مسئله هیچگونه بند و بست با مذاکره در جریان نبوده است.

براستی سازمان چریکها در این قضیه چه چیزی عجبی کشف کرده بود؟ جز اینکه عمدا میخواست یک مسئله ساده و عادی را مرموز و پیچیده نشان داده سپس نام سپاه رزگاری را دستاویز پیش بدینی و متهم کردن نیروهای انقلابی به وابستگی و جنگ افروزی نماید و از این راه لطمه ای به جنبش مقاومت زده و خدمتی به هیات حاکمه کرده باشد.

بالاخره هیات حاکمه ضد خلقی و ارتجاعی جنگ دوم را دارا و خرفوردین ۵۹ بخلق کرد تحمیل کرد. از شروع جنگ عملی دوم تا کنون علیرغم مقاومت قهرمانانه مردم کردستان و بجای شرکت فعالانه در آن، سیاست

سازمان چریکها در جهت نزدیکی به هیات حاکمه و تضعیف جنبش مقاومت و تبلیغ عوا مغربیان در سراسر با صلاح جلوگیری از جنگ برادر کشی و امکان استقرار صلح عادلانه و غیره... با سرعت و صراحت بیشتری ادامه یافته است. این سیاست فرصت طلبانه بعدی با واقعیت مبارزات در کردستان و سراسر ایران در تضاد بود که باعث بروز بحران شدید و انشعاب در درون سازمان نیز گردید.

اما سازمان چریکها (اکثریت) همچنان سیاست کجروانه خود را با عناد و لجاج ادامه داده، بطوریکه همه تعهدات خود را در قبالت هیات نمایندگی خلق کرد نیز زیر پا نهادند. آنها میترسند که مبارزات نتیجه گسترش مقاومت در کردستان مجبور شوند از حاکمیت فاصله پیدا کنند. آنها خود را صلح دوست و مستقل و دیگران را جنگ افروز و وابسته معرفی میکنند. با زنگاری و فرصت طلبی خود را برنا مه صلح قلمداد کرده و دیگران را به نداشتن برنا مه مشخص جهت برقراری صلح در کردستان متهم مینمایند. گوئی عمد افرا موش کرده اند که تشکیل هیات نمایندگی خلق کرد و ادغامی دانشمندان برای مذاکره اعلام آتش بس، تهیه طرح ۸ ماده ای و ۲۶ ماده ای بعنوان مبنای مذاکرات، تلاش پیگیر برای جلوگیری از جنگ مجدد و حفظ مناسبات انقلابی در مقابل هیات حاکمه... اینها همه طرحهای مشخصی بودند که سازمان چریکها خود نیز در تدوین آن شرکت داشته است.

همچنین افرا موش کرده اند که هیات حاکمه بنا به اعتراف صریح سران جمهوری در طول مذاکرات قطع نظر از ما نورهیای تفرقه افکنانه و تدارک جنگ مجدد هیچ برنا مه دیگری نداشت. با پس از تحمیل جنگ مجدد و بخصوص بعد از عدم قبول آتش بس یکطرفه هیات نمایندگی و اعلام رده گروکانه آتش بس و مذاکره از طرف هیات حاکمه ارتجاعی، دیگر خلق کرد غیر از مقاومت مسلحانه چه برنا مه ای می توانست داشته باشد؟ هنگامی که هیات حاکمه برنا مه جنگ ظالمانه را در ما همناگزیر برنا مه مقاومت عادلانه را ریم، تا با شکست دادن نیروهای سرکوبگرش در نهایت صلح دیگری به او تحمیل نماییم. اما سازمان چریکها، در شرایطی که هیچ برنا مه ای جز مقاومت مسلحانه نمیتوانند را هکشی ادامه موجودیت خلق کرد و جنبش حق طلبانه خود مختساری کردستان باشد، تحت عنوان بوج وی محتوای استقرار صلح عادلانه و جلوگیری از برادر کشی چاره را در تسلیم و رضا جستجو کرده و در واقع از همان راهی میروند که در ترکمن صحرا پیموده بود. سازمان چریکها، در ترکمن صحرا، نه تنها خون شهیدان خلق ترکمن، بلکه دست - آوردهای مبارزات حق طلبانه، این خلق مبارزان نیز بر باد داد. آنها با تنها گذاشتن خلق ترکمن در روز سختی و کمک با استقرار حاکمیت ضد خلقی رژیم ترکمن صحرا ضربه زیان بخشی بر مبارزات خلقهای ایران وارد آورد.

البته اگر در کردستان هم نیروهای دیگری در رهبری جنبش مقاومت فعالانه شرکت نداشتند و اگر خلق کرد قهرمانان در مقاومت توده ای شرکت نمی - جست، تا بدست سازمان چریکها نمیتوانست سانش خود را بدون سرو صدا و بدون بحران عملی سازد. اما خوشبختانه وضعیت واقعی پیشرفت کمی و کیفی مبارزات خلق کرد، و رشد نیروهای انقلابی و مترقی در کردستان، به

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پیکار

سازمان چریکها اجازت ندادند که در سر نوشت جنبش مقاومت خلق کرد نقش مهمی داشته باشد و بتواند آنرا قربانی سیاست فرصت طلبانه خود ننماید.

درست بهمین دلیل سازمان چریکها ناچار شد برای اجرای توطئه تسلیم گام به گام خود در کردستان راه طولانی تری را طی نماید. بنا بر این از یک طرف با مذاکرات و بندوبستهای پشت پرده با آیت الله بهشتی و دیگران، تلاش کرد تا هیات حاکمه ارتجاعی را "حالی" کند که برای خالی نبودن عریضه و فریب مردم یک "حداقل" متنازی به کردستان بدهد. کاری که دیگران با تهیه "طرح خودگردانی" و صرف نیروی فراوان از عهده آن برنیا مده بودند. (البته هیات حاکمه بنا به ماهیت ارتجاعی خود "ناحالی" تر از آن است که به نصیحت یا ران مشفق خود گوش فرادهد). و از طرف دیگر با بستن آنها موجد و جنجال تبلیغاتی در بسماره و ابستکی نیروهای انقلابی کردستان و بزرگ جلوه دادن خطر توطئه مزدوران امپریالیسم ورژیم بعث عراق، جنبش مقاومت خلق کرد را آلوده سازد، خلعت عا دلانته آنرا نفی کند و در نتیجه روحیه مقاومت را هم از پای بوهوم از رهبری دجاری برحان نمایند تا بدین ترتیب دستور العمل آیت الله بهشتی را اجرا کرده باشد.

اما هیات حاکمه ضد خلقی با بیداندگی با بند و بست پشت پرده و جلب نظر سازمان چریکها (اکثریت) در جهت باصلاح "استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی" در کردستان راه بجائی نخواستند و در نهایت برای اخلال در مبارزات مردم کردستان هیات حاکمه را از شکست حتمی در برابر جنبش مقاومت خلق کرد نجات نخواستند.

من با سرفرازی بهمه خلقهای ایران مژده می - دهم که علیرغم اینهمه کارشکنی ها و تلاشهای مذبوخانه اینک در کردستان هم سیاست سرکوبگرانه هیات حاکمه و هم سیاست سازشکارانه سازمان چریکها با شکست مواجه شده است و دورد و جنبش مقاومت خلق کرد، با شکره تر و نیرومندتر از دوز اول با استواری سخره ها و کوههای سربلک کشیده کردستان، اشغالگران و فرصت طلبان را به خسران و ناکامی دچار ساخته است. اینک توده های بمراتب وسیعتری از مردم کردستان به جنبش مقاومت جلب شده اند، و بیوند میان آنان و نیروهای انقلابی و ملی فشرده تر و گسترده تر از همیشه است. پیروزیهای بی دربی پیشمرگان قهرمان، روحیه انقلابی مردم را بالا برده و دشمن را در وضعیت دشواری قرار داده است.

(خلقهای مبارز ایران!)

سازمان چریکهای فدائیان خلق (اکثریت) در ادامه سیاست سازشکارانه خود اکنون عملاً در کردستان "ناش به تال" کرده است. یعنی در مقابل یورش هیات حاکمه تسلیم شده و سلاح بر زمین گذاشته است. و اگر اوائل در جنگ مقاومت شرکت داشته است اکنون از این کار پشیمان بوده و طلب مغفرت نموده است. در نتیجه آنند که پایگاه خود را هم در میان خلق کرد از دست داده است. عد قابل توجهی از هواداران صادق و انقلابی آنان برای ادامه مبارزه در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد سازمان را رها کرده اند. برخلاف گذشته، افراد

مسلح سازمان چریکها دیگر از امتیاز و احترام و محبوبیت خاص پیشمرگان کردستان برخوردار نیستند. مردم شهرهای کردستان به آنان اعتماد ندارند و مردم دهات آنان را از خود میرانند، زیرا سازمان چریکها بخاطر نزدیکی با هیات حاکمه نه تنها خود را از جنبش مقاومت خلق کرد کناره کشیده، بلکه همه فعالیت خود را در جهت لکه دار کردن و توطئه چینی علیه جنبش مقاومت متمرکز کرده است.

به گمان من سیاست تسلیم طلبانه سازمان چریکها (اکثریت) در کردستان بدنبال سیاست آنها در قبایل خلق ترکمن، مسئله اشغال دانشگاهها بطور کلی تسلیم در برابر سیاستهای سرکوبگرانه و خونین هیات حاکمه ضد خلقی در سراسر ایران نشانه یک سقوط سیاسی و به معنای پشت کردن بمبارزات دمکراتیک خلقهای ایران میباشد. سازمان چریکها بدنبال این سقوط سیاسی از نظرا خلایق هم سقوط کرده است که نمونه آن در نا سیاسی آن نسبت به خلق کرد و دروغپردازی در باره جنبش مقاومت خلق کرد مشاهده میکنیم.

لازم است یادآوری کنیم که مبارزات خلق کرد جزئی از مبارزات خلقهای ایران است. بنا بر این انتظار داریم که همه مبارزان راه آزادی و دمکراسی همه زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران همچنان از جنبش مقاومت خلق کرد پشتیبانی نموده و در راه استحکام هر چه بیشتر پیوند مبارزات خلقهای ایران علیه شایعه پراکنی بی اساس قاطعانه مبارزه کنند.

هواداران صادق و انقلابی سازمان چریکها (اکثریت) در سراسر ایران!

در حالیکه رفقای شما هر روز بدست هیات حاکمه دستگیر و اعدام میشوند، رهبران سازمان چریکها (اکثریت) همچنان بدون توجه به جنایات هیات حاکمه به سیاست تسلیم و سازش خود ادامه میدهند و باین ترتیب روح انقلابی سنتهای انقلابی و میراث انقلابی شهدا - بیتن را با بمل می کنند. آنها برای توجیه نزدیکی خود به هیات حاکمه جناح خلقی و ضدا مپریالیست برای آن اختراع می کنند و شما را در دریای سردرگمی می اندازند. چگونه میتوان رژیم بی با این همه جنایات را ضد امپریالیست دانست؟ آیا فرمان یورش به کردستان، قتل عام هزاران نفر از مردم بدین فاجع و تیرباران ده - ها نفر از جمله زنان و دختران انقلابی کرد، ویران کردن شهرها و روستاها، نابودی محصولات و محاصره و فشار اقتصادی، برقراری حکومت نظامی و خفقان فاشیستی در شهرهای اشغال شده کردستان و اخراج دسته جمعی کارمندان و معلمان مبارز، مسلح کردن فئودالها و جاشها علیه زحمتکشان کردستان، همچنین سرکوب خونین خلق ترکمن، زحمتکشان انزلی، دکهداران، زنان مبارز، اشغال خونین دانشگاهها و اعدام هر روز انقلابیون در سراسر ایران، بستن دفاتر سازمانهای سیاسی و برقراری سانسور و خفقان و سلب کلیه آزادیهای فردی و اجتماعی و دستگیری هزاران تن از جوانان انقلابی بجرم فعالیت سیاسی و مدها نمونه از سیاست سرکوبگرانه و خونخواهانه هیات حاکمه جمهوری اسلامی اجازت میدهد که آنها را جناحی از آنرا

خلقی و ضدا مپریالیست بدانیم؟ رهبران سازمان چریکها با سیاست بندوبست و سازش پنهانی به دنباله روی و تاخیر جنبش هیات حاکمه ای میبهرند. آنها در رابطه با زد و خورد های ارومیه و شاهیندژ، ماهیت جنایتکارانه هیات حاکمه و خلعت ظالمانه جنگ تحمیلی را نادیده گرفتند، پیشمرگان جنبش مقاومت را "ضدانقلاب" میخوانند و از پاداران سرکوبگر حمایت میکنند. آنها صفوف جنبش مقاومت خلق کرد را ترک کرده اند و در شرایطی که پیشمرگان فداکار و با ایمان مشقات جنگ تحمیلی را بر خو دهموار میکنند در شرایطی که من با ضعف بنیه و سوء خوردگی در میان پیشمرگان و در کوهستانهای کردستان بسمیرم و آنجا در آتشی آسایش در شهرها نشسته اند تا بخاطر خود جنبش مقاومت خلق کرد و پیشمرگان فداکار را لجن مالی کنند؟

آیا شما این سیاست را یک سیاست انقلابی میدانید؟ آیا این همان راهی نیست که حزب توده میزود؟ آنگاه نه قضاوت کنید و اگر چنین نیست راه خود را از راه رهبران فرصت طلب سازمان چریکها جدا کنید تا از جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات خلقهای ایران جدا نشوید.

(خلق ستمدیده و رزمنده کرد!)

جای تعجب نیست اگر سازمان چریکهای (اکثریت) با انتشار رجلیاتی در نشریه "خبر" ۵۹/۵/۱۳ موانع ساز مور د حمله و اتهام قرار داده است. آنها در سیاست تسلیم به هیات حاکمه ضد خلقی و پشت کردن به جنبش مقاومت خلق کرد، تا آنجا جلورفته اند که رسماً از پاداران سرکوبگر حمایت کرده و پیشمرگان فداکار را حزب دمکرات را که در شاهیندژ و بندارومیه می جنگیدند "ضدانقلاب" خوانده اند. بنا بر این دیگر از اینکه همراه مردم تهمت و افترا قرار داده اند متاسف نیست زیرا من خود را از پیشمرگان کردستان جدا نمیدانم. پیشمرگان به وظیفه انقلابی خود یعنی جنگیدن با نیروهای سرکوبگر هیات حاکمه عمل کرده اند. من هم در حد توانائی به وظیفه خود عمل کرده و خواهم کرد.

وظیفه من بعنوان یک شخصیت روحانی مورد اعتماد خلق کرد، تشویق و ترغیب توده های وسیع مردم کردستان بمبارزه در راه کسب خود مختاری کردستان در ایران است. آزادی مردم مکرراتیک میباشد. بعد از فرمان شوم ۲۸ مرداد پارسال و هجوم وحشیانه به کردستان و خود را جلب پشتیبانی هر چه وسیعتر مردم به جنبش مقاومت خلق کرد و تشویق مردم کردستان از زن و مرد و بیرو جوان و شهری و روستائی به ایستادگی در مقابل اشغالگران و سرکوبگران دانسته ام و در این راه خود نیز دوش بدوش پیشمرگان، شرایط سخت کوهستانهای کردستان را بجان خریده و در صف مقدم جنبش مقاومت خلق کرد بمبارزه ادامه داده ام.

آشکاراست که به مقتضای موقعیت خود در این مدت با افراد و شخصیتها و جهات سیاسی گوناگون برخورد و ارتباط داشته ام. از روحانیون، اشخاص با نفوذ کردستان، روسای عشایر و ایلات گرفته تا بازاریان و محترمان شهرهای کردستان، از زحمتکشان شهرها و روستاها گرفته تا دانش آموزان، دانشجویان معلمان و روشنفکران، از گروههای انقلابی و مترقی گرفته

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

وابستگی بکشا ندبه کسی در کردستان ایران داده شود
خلق هشیار و قهرمان کرد!

کردستان و جنبش مقاومت خلق کرد اینک در وضع بسیار حساس و پیراهمی قرار گرفته است. جنبش مقاومت توانائی خود را در برابر هیات حاکمه نشان داده و شکستنا پذیری آن بر همه اشبات گردیده است. بعلمت همین وزنی که جنبش مقاومت خلق کرد در صحنه مبارزات خلقهای ایران پیدا کرده است، اینک مسئله کردستان در محاسبات سیاسی ایران اهمیت بی سابقه ای یافته است. بنا بر این میتوان گفت هر توطئه امپریالیستی و ارتجاعی که در ایران پیاده شود، بخش مهمی از آن بسرکوب مبارزات خلق کرد اختصاص خواهد یافت. ما نباید از اینگونه توطئهها بترسیم بلکه باید هشیاری و اتحاد و یکپارچگی خود را برای مقابله با هر توطئه ای حفظ کنیم.

سیاست تازه سازمان چریکها (اکثریت) در جهت ایجاد تفرقه و تزلزل در صفوف جنبش و نیروهای ملی و انقلابی کردستان بکار افتاده است. بکوشیم تا این سمپاشیها و تفرقه اندازیها را با دقت و هشیاری انقلابی خنثی نمائیم، تقویت و پشتیبانی از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه توأم علیه هرگونه وابستگی و سازشکاری برای ادا ماه موجودیت خلق کرد و اعتلای مبارزات ضرورت حیاتی دارد. ما هنوز در سر آغاز مبارزه هستیم و در جستجوی صلح واقعی همچنان به مقاومت مسلحانه خود ادامه میدهم. کاروان مبارزه به پیش می رود و در این راه تسلیم طلبان و فرصت طلبان از توده های انقلابی جدا میمانند و عدم همراهی خود را با سلسله و عملیات توجیه میکنند.

من در پیسنگا خلق کرد و پیشمرگان قهرمان کردستان پیمان خود را تجدید میکنم، که تا رسیدن به پیروزی نهائی، سنگر جنبش مقاومت خلق کرد و صفوف مقدس پیشمرگان را ترک نکرده و تا جان در دین دارم علیه امپریالیسم و دشمنان خلق کرد و علیه هرگونه وابستگی و همچنین سازشکاری در برابر هیات حاکمه ارتجاعی مبارزه نمایم و از آنها ماتناروا با کسی ندا شته باشم.

من له تانه و نومه و زنجیر و داربا کم نیه
له تله تم که ن، بیکوژن، هیستائله لیم کوردم شه من
که رله برسانا و له به ربی به ربکی شه و روزه ه لیم
نه که ری بیگانه تا که م تا له سه ر عه ردم شه من
والسلام علیکم ورحمته اللہ۔ سید عزالدین حسینی

۵۹ / ۵ / ۱۸

اما سازمان چریکها در ادعای مبارزه با وابستگی امپریالیسم و رژیم بعث عراق صادق نیست و اولاد این موردکل مبارزه با وابستگی را در نظر ندارد بلکه هدفش تنها لکه دار کردن جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای انقلابی کردستان است. ثانیا حمله به وابستگی بعث عراق را فقط تا آنجا لازم می دانند که دنیا له روی خود از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را برده پوشی کند. از نظر خلق کرد و خلقهای مبارز ایران هم وابستگی و هم سازشکاری هر دو محکوم است. و هیچیک از آنان حق ندارد محاکمه دیگری را وسیله کسب آبروی خود کنند بلکه در واقع این حق توده های خلق است که هر دو طرف را محاکمه و از صف خود طرد نمایند. زیرا وابستگی کسانی که خود را در اختیار رژیم بعث عراق گذاشته اند برای جنبش همان اندازه مضر و خطرناک خواهد بود که سازشکاری در برابر رژیمها کم و بیش بست با مقامات بعثی عراق همان اندازه زیان بخش و محکوم است که بندوبست با بهشتی و دیگران.

سازمان چریکها، خلق کرد و خلقهای ایران را از لولوی پالیزبان و اویسی و خطر نفوذ مزدوران بعث عراق و امپریالیسم میترساند تا آنرا به استقرار حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی راضی کند و ادعا می کند که در صورت ادا مه جنگ در کردستان امپریالیسم و رژیم بعث عراق از آن استفاده میکنند پس باید هر چه زودتر سلاح را بر زمین گذاشت و جنبش مقاومت خلق کرد را در محضر رژیم ارتجاعی حاکم قربانی نمود. آنها شهادت قبول این واقعیت را ندارند که حتی اگر همه بست فطرتان جهان بخوانند از جنگ کنونی کردستان بپنفع خود سواستفاده کنند، گناه از خلق کرد نیست و لطمه ای به حقانیت و عادت نبوده است. جنبش مقاومت خلق کرد وارد نخواهد آمد، بلکه گناه آن تنها به گردن هیات حاکمه ضد خلقی است که این جنگ ظالمانه را با تحمیل کرده است.

سازمان چریکها، تجربه کردستان عراق را به ما یادآوری میکند. ما خود این تجربه را با گوشت و پوست احساس کرده و در نظر داریم، ولی آنها فراموش کرده اند که برخلاف دیکتاتور فئودالی و رهبری فردی که بر جنبش کردستان عراق حاکم بود، در کردستان ایران طی یکسال و نیم گذشته دموکراسی با ابعاد وسیعی وجود داشته است، تجربه دموکراسی وضعیت مبارزات و آگاهی خلق کرد در رابطه با مبارزات خلقهای ایران طوری نیست که اجازه برقراری چنان دیکتاتوری و چنان رهبری فردی که بتواند جنبش را با انحراف یا

تا شخصیتهای سیاسی و ملی و مذهبی در سراسر ایران به درجات مختلف با من دوستی، آشنائی و ارتباط داشته اند و من کوشیده ام که این طیف گسترده را در جهت تقویت و پشتیبانی جنبش مقاومت خلق کرد را هماهنگی نمایم.

هنگام شروع جنبش مقاومت، علاوه بر پیشمرگان نیروهای سیاسی، بسیاری از مردم در سراسر کردستان مسلحانه به مقاومت و دفاع برخاستند که تا آنوقت در هیچ سازمان سیاسی متشکل نشده بودند. در شرایطی که سازمانهای سیاسی کردستان، هنوز آمادگی بسیج و سازماندهی آنهمه نیرو را نداشتند، این طیف وسیع از مردم کردستان، غالباً خود را بمن نسبت داده و من هم آنان را بمقاومت و تقویت نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی تشویق نمودم.

بدیهی است که من دارای تشکیلات سیاسی بنا نظامی نبودم و نیستم، و از نیروهای انقلابی و مترقی کردستان تا آنجا که در مسیر خلق کرد با شدت پشتیبانی کرده و خواهم کرد، تا آنها به وظیفه آگاه گردن و سازماندهی سیاسی و نظامی توده های خلق کرد عمل کنند. این کار وظیفه خاص آنهاست. وظیفه من به عنوان یک شخصیت روحانی که در صف مبارزه هستم، اعتلا بخشیدن بحرکت عمومی مردم و تشویق و تقویت هماهنگی و همکاری سازمانهای سیاسی کردستان با یکدیگر و با مردم بوده است.

در این زمینه، من ارتباطات فراوانی داشته ام و جز خائنان و جاشها و مرتجعان شناخته شده، همه اشخاص و گروههائی را که بیس مراجعه کرده و خواهان فعالیت بوده اند، به مبارزه تشویق کرده و در مواردی هم بصورت کتبی یا شفاهی مردم معرفی نموده ام. اما بدیهی است همه آنها، خود مسئول عواقب اعمال خوب و بد خود میباشند و البته ممکن است در این میان عده ای هم در مسیر انحراف و وابستگی افتاده باشند.

شاید سازمان چریکها - شاخه کردستان فراموش کرده که خود یکی از این گروههاست که با رهبران و مسئولان و کارهای خود را با معرفی نامه من به دهات و مناطق کردستان فرستاده است. و من بارها از آزادی فعالیت سیاسی آنان در کردستان در برابر فشار دیگران دفاع نموده ام. زیرا دفاع از آزادیهای دموکراتیک در سطح کردستان را از وظایف خود دانسته ام. در آن زمان سازمان چریکها در مسیر خلق کرد را نقش مثبتی بود و اگر امروز جنبش مقاومت خلق کرد را بخاطر نزدیکی با هیات حاکمه ترک کرده است آیا خود آن سازمان مسئول است یا خیر؟ سازمان چریکها و هر شخص و گروه دیگری فقط تا وقتی مورد تائید و پشتیبانی من بوده اند که از مسیر خلق کرد منحرف نگشته و با وابستگی کشیده نشده اند و قطعاً بعد از آن دیگر از تائید و پشتیبانی من نمی برخوردار نبوده و نخواهند بود.

در سخنرانیها و مصاحبه ها و بیامهای خود، بارها درباره مسئله وابستگی به امپریالیسم و رژیم بفاک بعث عراق نظر خود را اعلام کرده ام و مجدداً اعلام میدارم که هرگونه وابستگی و سرسپردگی به امپریالیسم و رژیم فاشیستی بعث عراق را که دشمن دیرینه خلق کرد است محکوم مینمایم. در عین حال که دنیا له روی و تسلیم طلبی در مقابل هیات حاکمه ضد خلقی را نیز محکوم میکنم.



مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست